

A Study of a Word from Abu al-Futuh Razi's Tafsir, Verses 27 to 31 of Surah Al-Ma'idah: Tabah, Tēh, Botteh, Tir

Mozhgan Kheirollahi Aznavleh*

Abstract

The exegesis of Sheikh Abu al-Futuh Razi is one of the oldest Shiite Quranic interpretations in Persian. The deep acquaintance of the author with the Arabic and Persian languages, combined with his carefulness in the selection of Persian equivalents, has given this book, in addition to its religious value, a special literary status. The book has been copied, corrected, and printed for many times since its creation. In this paper, the meaning of a single word in Abu al-Futuh Razi's Tafsir, verses 27 to 31 of Surah Al-Ma'idah, has been studied and discussed. To carefully study the term, four versions of the manuscript and four printed versions of Sheikh Abu al-Futuh Razi's exegesis were compared and contrasted. The results indicate that the correct word used by Sheikh Abu al-Futuh Razi was Tēh in Persian. The method of the research is analytical-comparative where the data was collected by reading library documents.

Keywords: Abu al-Futuh Razi's Tafsir, Tabah, Tēh, Botteh, Tir

* Assistant Professor of Handicraft Department, Art Faculty, University of Birjand, Iran, m.kheirollahi@birjand.ac.ir

How to cite article:

Kheirollahi Aznavleh, M. (2023). Study of a word from Abu al-Futuh Razi's Tafsir, Verses 27 to 31 of Surah Al-Ma'idah: Tabah, Tēh, Botteh, Tir. *Journal of Ritual Culture and Literature*, 1(2), 65- 82. DOI: [10.22077/jcrl.2022.5109.1028](https://doi.org/10.22077/jcrl.2022.5109.1028)



Copyright: © 2022 by the authors. *Journal of Ritual Culture and Literature*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

بررسی یک واژه از تفسیر ابوالفتوح رازی ذیل آیات ۲۷ تا ۳۱ سوره مبارکه مائده: تَبِه، تِیه، بُتَّه، تیر

مزگان خیرالهی ازناوله*

چکیده

تفسیر قرآن شیخ ابوالفتوح رازی یکی از کهن‌ترین تفاسیر فارسی شیعی کلام‌الله مجید است. آشنایی عمیق مؤلف کتاب با زبان‌های عربی و فارسی توأم با دقت وی در گزینش برابرنهادهای فارسی باعث شده است که این کتاب علاوه بر ارزش‌های کلامی و روایی، از جایگاه ادبی ویژه‌ای نیز برخوردار باشد. این اثر از زمان تألیف، بارها نسخه‌برداری، تصحیح و چاپ شده است. در مقاله حاضر معنای یک واژه از این تفسیر، ذیل آیات ۲۷ تا ۳۱ سوره مبارکه مائده بررسی و درباره آن بحث شده است. برای بررسی دقیق واژه مورد نظر، ابتدا چهار نسخه خطی و چهار نسخه چاپی تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی مورد مقابله قرار گرفتند. نتیجه حاصل از بررسی‌ها نشان‌دهنده آن بود که لغت صحیح مورد استفاده شیخ، واژه فارسی تیه است. روش تحقیق در این پژوهش تطبیقی - تحلیلی بوده و گردآوری داده‌ها به شیوه جستجوی کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

کلیدواژه‌ها: تفسیر ابوالفتوح رازی، تَبِه، تِیه، بُتَّه، تیر.

* استادیار صنایع دستی، دانشکده هنر، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران m.kheirollahi@birjand.ac.ir

۱. مقدمه

نسخه‌های خطی به‌مثابه متون و اسناد ارزشمند علمی، ادبی و تاریخی طی اعصار و قرون متمادی دست‌به‌دست شده، توسط کاتبان و مستنسخان متعدد در شهرها و بلاد حفظ‌شده تا به عصر حاضر رسیده‌اند. وجود رونوشت‌های متعدد از یک کتاب سبب شده است تصحیح پیش از چاپ این دست آثار، لازم و ضروری به شمار آید؛ زیرا گاهی مستنسخ فردی عالم، با خطی خوش و دقت بسیار بوده است و بسیاری مواقع همه این صفات در شخص مستنسخ جمع نبوده یا به اضطرار و عجله، نسخه‌ی مثنی تهیه می‌شده است. اشتباهات سهوی مستنسخان در کنار آسیب‌دیدگی نسخ، دشواری‌هایی برای مصححان به وجود می‌آورد. موضوع پژوهش حاضر واژه‌ای است از تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی ذیل تفسیر آیات ۲۷ تا ۳۱ سوره مبارکه مائده، که در ثبت و ضبط آن اختلاف هست: تبه، تیه، بُتّه، تیر.

روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن نوشته حسین بن علی بن محمد بن احمد نیشابوری (حدوداً ۵۵۴ - ۴۷۰ ق) معروف به شیخ ابوالفتوح رازی ملقب به جمال‌الدین یکی از علمای اعلام تفسیر و کلام سده ششم هجری است که نسب وی به نافع بن بدیل بن ورقاء خزاعی، صحابی گران‌قدر رسول مکرم اسلام می‌رسد. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۵: ۱۴۸) و (همو، ج ۱۷: ۳۵۴) جد اعلای او احمد بن حسین بن احمد خزاعی از نیشابور به ری هجرت کرد. او حدود سال ۴۷۰ ق در ری زاده شد و هم‌عصر با امین‌الاسلام طبرسی (حدوداً ۵۴۸ - ۴۶۰ ق) و فخرالدین رازی (۶۰۶-۵۴۴ ق) صاحب تفسیر کبیر بوده است. بر اساس پژوهش‌های انجام‌گرفته به نظر می‌رسد وفات وی در سال ۵۵۴ هجری بوده (همو، ج ۱: ۵۹) و در جوار آستان حضرت عبدالعظیم الحسنی و مضجع امام‌زاده حمزه بن موسی (ع) مدفون گشت.

تفسیر ابوالفتوح طی سال‌های ۵۳۳-۵۱۰ ق یا اندکی پس از آن، در بیست جلد به زبان فارسی نگارش یافته است. (همان، ج ۱: شصت و شصت‌ویک) این کتاب یکی از کهن‌ترین و مشروح‌ترین تفاسیر شیعی کلام‌الله مجید به زبان فارسی تا سده ششم هجری قمری است که دربردارنده همه آیات قرآن بوده و همه بخش‌های آن تا به امروز حفظ شده است. روض الجنان جزء تفاسیر کلامی - روایی است و از آنجاکه مؤلف به مباحث صرف و نحوی و لغوی اهمیت داده است این تفسیر از نظر ادبی نیز جایگاه ویژه‌ای داشته و نشر این کتاب در عین فصاحت، روان و شیوا است. این کتاب در مباحث لغوی و معانی واژه‌های قرآنی و استشهاد به اشعار عربی، با التبیان فی تفسیر القرآن شیخ طوسی و مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن طبرسی قابل مقایسه است و از این نظر ظاهراً بر دو تفسیر دیگر رجحان دارد (خزاعی، ۱۳۷۴: ۲۰۶). اشراف شیخ به زبان فارسی این کتاب را به یکی از آثار مهم ادب فارسی تبدیل کرده است به‌گونه‌ای که می‌توان آن را به‌مثابه فرهنگ لغتی عربی - فارسی دانست. نسخه‌های رونویسی‌شده این تفسیر متعلق به سال‌های ۵۵۶ و ۵۵۷ ق از معدود

گنجینه‌های ارزشمند مکتوب زبان فارسی سده ششم هجری قمری به شمار می‌آیند. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: پنجاه و چهار)

در پژوهش حاضر به تصحیح یک واژه از تفسیر ابوالفتوح رازی پرداخته شده و بدین منظور چهار نسخه خطی و چهار نسخه چاپی تفسیر ابوالفتوح رازی مورد مقابله و مقایسه قرار گرفته است. روش تحقیق این پژوهش تطبیقی - تحلیلی بوده و داده‌های پژوهش سه مرتبه در معرض مقایسه و تطبیق قرار گرفتند. ابتدا نمونه‌های مطالعاتی از نسخه‌های مختلف تفسیر ابوالفتوح - پس از گردآوری به شیوه کتابخانه‌ای - مورد مقایسه و تطبیق قرار گرفتند، سپس یافته‌ها با نمونه‌های یافت شده در منابع عربی مقایسه شدند و دیگر بار نتیجه به دست آمده با معانی لغت‌نامه‌ها، قاموس‌های عربی و فارسی مورد مقایسه قرار گرفت.

۱-۱. پیشینه پژوهش

در خصوص تفسیر ابوالفتوح رازی و جایگاه علمی و ادبی آن، پژوهش‌های بسیاری انجام گرفته و کتاب‌ها و مقالات متعددی درباره وی و آثارش نوشته شده است؛ اما نخستین کسی که به واژه مورد نظر این مقاله نگاه ویژه‌ای نموده، علامه شعرانی است؛ وی هنگام تصحیح تفسیر ابوالفتوح فقط به نقل این واژه اکتفا نکرده و درباره این واژه بیشتر دقت نموده‌اند. (ابوالفتوح رازی، ۱۳۹۸ق، ج ۴: ۱۸۱) و دیگر بار محمدجعفر یاحقی و محمدمهدی ناصح هنگام تصحیح تفسیر ابوالفتوح، به این واژه توجه و در پاورقی اختلاف نسخ را درباره آن ذکر کرده‌اند؛ اما دلیلی بر صحت واژه‌ای که در متن ارائه شده است، اقامه ننموده‌اند (همو، ۱۴۰۸ق، ج ۶: ۳۴۵). تا آنجا که نگارنده بررسی کرده، تاکنون درباره این واژه پژوهش مستقلی انجام نشده است.

۲. تصحیح یک واژه از تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی: تَبَه، تَبَه، تَبَه، تیر

شیخ ابوالفتوح رازی ذیل آیات ۲۷ تا ۳۱ سوره مبارکه مائده، روایتی از ابن عباس ذکر کرده و حوادث پس از قتل هابیل را روایت نموده است و در آن روایت، واژه‌ای را به کار برده که در نسخه‌های مختلف به شکل‌های متفاوت ثبت شده است. عبارت مورد نظر بدین شرح است: «ضحاک گفت از عبدالله عباس که چون قایل، هابیل را بکشت درختانی که در مکه بود [تَبَه تَبَه، تَبَه، تیر] برآورد و میوها ترش شد و اب تلخ شد؛ ادم چون آن بدید گفت در زمین حادثه افتادست...» همان‌گونه که در متن آمده، کلمه مورد نظر در ارتباط با درختان است. در ادامه، واژه مورد نظر از چهار نسخه خطی و چهار نسخه چاپی، برای بررسی و مقابله به ترتیب زمانی ارائه می‌شود.

۱-۲. جستجوی واژه در نسخه‌های مختلف تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی

در نسخه خطی تفسیر *روض الجنان و روح الجنان* به تاریخ کتابت ۹۰۷ق، که توسط

محمدبن اسحاق جنابدی استنساخ شده و اینک در بخش نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره بازبایی ۱۲۳۰۰ نگهداری می‌شود، واژه مورد اختلاف چنین ثبت شده است: «تیه»^۱ (همو، ۹۰۷ق) (تصویر شماره ۱).

در نسخه خطی به شماره م ۱۳۳۱ متعلق به آستان قدس رضوی که در سال ۹۴۹ق به وسیله عبدالغفاربن عبدالواحد کتابت شده و شامل جلد یکم تا آخر جلد نهم تفسیر می‌شود، این واژه ابتدا «تیه» ثبت شده است، سپس مورد تصحیح قرار گرفته و با خراشیدن مرکب، «ه» به «ر» تغییر یافته و واژه تیه به «تیر» تبدیل شده است^۲ (همو، ۹۴۹ق: ۱۱۵۷) (تصویر شماره ۲).

به نظر می‌رسد کاتب در نسخه خطی به شماره ثبت ۹۰۰۳۷ متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی که توسط عنایت بن نصرالله یتمخانی در تاریخ غره ربیع‌الاول سال ۱۰۱۹ ق کتابت شده و از آغاز کلام‌الله تا پایان سوره هود را در برمی‌گیرد، پنداشته است که کلمه تیه در این جمله صحیح نیست، لذا جمله را تغییر داده است: «میوه‌ای درختانی که در مکه بود همه خشک ترش شد»؛ سپس هنگام مقابله و تصحیح واژه «خشک» با قلمی به رنگ قرمز خط خورده و از متن حذف شده است (همو، ۱۰۱۹ق: ۱۹۱ راست) (تصویر شماره ۳). در نسخه خطی به شماره ثبت ۱۶۳۷۸، متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی، که در غره ربیع‌الاول سال ۱۰۵۸ق توسط کاتبی به نام غلامعلی کتابت شده و از آغاز کلام‌الله تا پایان سوره کهف را در برمی‌گیرد، این واژه «تیه» ثبت شده است (همو، ۱۰۵۸ق: ۷۷۳) (تصویر شماره ۴). غلامعلی عین عبارات انتهای نسخه‌ای که از روی آن کتابت نموده را در صفحه ۷۹۹ کتاب آورده است که نشان می‌دهد این نسخه را از روی نسخه‌ای به تاریخ ۶۱۵ق استنساخ کرده است؛ البته نسخه اصلی چندین بار مورد مقابله قرار گرفته و آخرین نفر قاضی نورالله شوشتری در سال ۱۰۰۰ق به مدت سه ماه آن نسخه را با نسخ دیگر مورد مقابله قرار داده است (همو، ۱۰۵۸ق: ۷۹۹) (تصویر شماره ۵)؛ بنابراین به نظر می‌رسد این نسخه از اعتبار بیشتری نسبت به سایر نسخ برخوردار است.

ملک‌الشعرا صبوری با همراهی چند نفر از فضلا، طی سال‌های ۱۳۰۹-۱۳۰۷ق مجموعه کاملی از تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی را از روی نسخ خطی موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی، در پنج مجلد برای کتابخانه سلطنتی [عهد ناصری] فراهم کردند. دو جلد نخست آن در سال ۱۳۲۳ق به فرمان مظفرالدین شاه و به همت میرزا ابراهیم خان عکاسباشی به نام تفسیر ابی‌الفتوح رازی چاپ شد. سه جلد باقی‌مانده در ۱۳۱۵-۱۳۱۳ هـ ش / ۱۳۵۵-۱۳۵۳ هـ ق به دستور علی‌اصغر حکمت، وزیر معارف وقت پهلوی، به چاپ رسید^۳. در جلد دوم این تفسیر، واژه مورد نظر، «تیه» ثبت شده است (همو، ۱۳۲۳ق، ج ۲: ۱۳۸).

به دنبال نایاب شدن نسخه‌های نخستین چاپ، بار دوم، این کتاب در ده جلد با تصحیح و حواشی آیت‌الله مهدی الهی قمشه‌ای (ف. ۱۳۹۳ق) با نام تفسیر ابوالفتوح رازی توسط شرکت تضامنی علمی طی سال‌های ۱۳۲۳-۱۳۲۰ هـ ش / ۱۳۶۴-۱۳۶۰ هـ ق. منتشر شد. در این

کتاب واژه مورد نظر، «تبه» ثبت شده است^۴ (همو، ۱۳۲۱، ج ۴: ۴۶۰). سومین بار این کتاب در ۱۳۸۲ق با تصحیح و حواشی علامه ابوالحسن شعرانی (ف. ۱۳۹۳ق) در دوازده جلد با نام روح‌الجنان و روح‌الجنان طبع شد، سپس یک جلد کشف‌الآیات بدان افزوده و بارها به طریق افسست در سیزده جلد تجدید چاپ شد. واژه مورد بحث در این کتاب «تبه» ثبت شده است (همو، ۱۳۹۸ق، ج ۴: ۱۸۱)؛ اما علامه در پاورقی چنین آورده است: «شاید بمعنی خوار باشد و در نسخه جناب آقای کی استوان تیه است و در لغات فارسی معنی مناسب برای الفاظی که مانند آن بود در کتابت نیافتم و با احتمال قوی لغتی است در تیغ» (همان). در لغت‌نامه دهخدا ذیل مدخل بُتّه روایت ابن عباس از تفسیر ابوالفتوح رازی به‌عنوان کهن‌ترین شاهد ادبی برای این لغت ارائه شده است: «چون قابیل هابیل را بکشت، درختانی که در مکه بود بُتّه برآورد و میوه‌ها ترش شد و آب تلخ شد» (تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۲: ۱۳۸). این مطلب به خط علامه دهخدا نبوده و نخستین بار در سال ۱۳۴۸ در جزوه شماره ۱۵۰ به طبع رسیده است^۵ (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳: ۴۳۶۵). بر اساس مطالب مقدمه چاپ جدید دهخدا، در تدوین و نگارش حرف «ب» افراد بسیاری مشارکت داشته‌اند. این مجلد را محمدابراهیم باستانی پاریزی تدوین و تنظیم کرده و محمد دبیر س‌یاقی و محمد پروین گنابادی کار مقابله و نظارت را انجام داده‌اند؛ اما مرحوم احمد بهمنیار طی سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۱۹ استخراج لغات از تفسیر ابوالفتوح را انجام داده است (معین و شهیدی، ۱۳۷۷: ۴۷۹). شماره جلد، صفحه و سطر ذکر شده در لغت‌نامه دهخدا مطابق با جلد دوم نسخه چاپ مطبوعه دربار مظفرالدین شاه بوده، اما همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد در آن نسخه واژه تبه ثبت شده است. به نظر می‌رسد در نگارش مدخل تبه در لغت‌نامه دهخدا سهوی روی داده، نویسنده مدخل تبه را معادل و برابر تیغ و خار در نظر گرفته و به کار برده است. بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی یکی از آخرین چاپ‌های این تفسیر گران‌سنگ را در بیست جلد با تصحیح و مقابله با ۳۸ نسخه کهن و ذکر نسخه‌بدل‌ها و با مقدمه‌ای مبسوط به کوشش و تصحیح محمدجعفر یاحقی و محمدمهدی ناصح در طول سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۶۵هـ ش منتشر کرده است. در این نسخه با توجه به نسخ خطی در دسترس مصححان، واژه مذکور «تیه» ثبت شده است، اما به نظر می‌رسد که معنای دقیق واژه تیه نزد این بزرگواران معلوم نبوده است؛ بنابراین آن‌ها در پاورقی به اختلاف نسخ اشاره و دو واژه تیر و تبه را به رسم امانت و دقت ذکر کرده‌اند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۶: ۳۴۵) (جدول شماره ۱).

| نام کاتب یا مصحح | لغت مورد اختلاف | منبع |
|-----------------------|------------------------|------------------------------|
| محمدبن اسحاق جنابادی | درختانی... تیه بر آورد | (ابوالفتوح رازی، ۹۰۷ق) |
| عبدالغفاربن عبدالواحد | درختانی... تیر بر آورد | (ابوالفتوح رازی، ۹۴۹ق: ۱۱۵۷) |

| نام کاتب یا مصحح | لغت مورد اختلاف | منبع |
|---------------------------------|--------------------------------|------------------------------------|
| عنایت بن نصرالله یتمخانی | _____ | (ابوالفتوح رازی، ۱۰۱۹ ق: ۱۹۱ راست) |
| غلامعلی | درختانی ... تیه بر آورد | (ابوالفتوح رازی، ۱۰۵۸ ق: ۷۷۳) |
| میرزا ابراهیم خان عکاسباشی | درختانی ... تبه بر آورد | (ابوالفتوح رازی، ۱۳۲۳ ق، ج ۲: ۱۳۸) |
| آیت‌الله مهدی الهی قمشه‌ای | درختانی ... تبه بر آورد | (ابوالفتوح رازی، ۱۳۲۱، ج ۴: ۴۴۰) |
| آیت‌الله ابوالحسن شعرانی | درختانی ... تبه بر آورد | (ابوالفتوح رازی، ۱۳۹۸ ق، ج ۴: ۱۸۱) |
| لغت‌نامه‌ی دهخدا | درختانی ... بته بر آورد | (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳: ۴۳۶۵) |
| محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح | درختانی ... تیه بر آورد | (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۶: ۳۴۵) |

جدول شماره ۱: لغت مورد اختلاف به ترتیب تاریخی

واژه تیه در دو جای دیگر روض الجنان حضور دارد؛ نخست ذیل آیات یکم تا پنجم سوره مبارکه بقره:

کعب‌الاحبار را پرسیدند از تقوی، گفت: هرگز در هیچ راه **تیه‌ناک** رفته‌ای؟ گفت: آری! گفت: چگونه کنی؟ گفت: خویشتن نگه دارم از آن **تیه**. گفت: متقی آن باشد که در راه دین همچنان رود، خویشتن را از معاصی چنان نگه دارد که آن رونده پای خود را از **تیه** نگاه دارد (همو، ۱۴۰۸ ق، ج ۱: ۱۰۱).

و بار دیگر ذیل آیه شانزدهم سوره مبارکه سبأ به کار رفته است: «خبط هر درختی بود که **تیه** دارد» (همان، ج ۱۶: ۶۲). تیه در دو مورد اخیر به معنای تیغ و خار به کار رفته است (ابوالفتوح رازی، ۱۳۹۸ ق، ج ۴: ۱۸۱). روایت ابن عباس در کشف‌الاسرار و عده‌الابرار - که در سال ۵۲۰ هـ و تقریباً هم‌زمان با تفسیر ابوالفتوح نگارش شده است - چنین آمده است: «ابن عباس گفت: چون هابیل بدست قابیل کشته شد، آن روز در درختان **خار** پدید آمد، و میوه‌ها بعضی ترش گشت، و طعمها بگردید، و روی زمین دیگرگون گشت. آدم به مکه بود...» (میبدی، ۱۳۷۱ هـ، ج ۳: ۹۹) میبدی واژه **خار** را به‌جای تیه به کار برده است. با توجه به مطالب بالا به نظر می‌رسد که مدنظر شیخ ابوالفتوح، تیه به معنای **خار** بوده است.

۲-۲. جستجوی روایت ابن عباس در منابع عربی

اینک باید دید که نویسندگان در متون عربی، این واژه را در روایت ابن عباس چگونه

روایت و ثبت کرده‌اند. ثعلبی نیشابوری (ف. ۴۲۷ق) در کتاب *الكشف و البيان عن تفسير القرآن*، واژه مورد بحث را «**اشتال**» ثبت نموده است^۱ (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ج ۴: ۵۱)؛ بغوی (۵۱۶-۴۳۳ق)، در *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن* (تفسیر البغوی) کلمه مورد نظر را «**اشتاک**» ثبت کرده است^۲ (بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۲: ۴۰)؛ طبرسی (حدوداً ۵۴۸-۶۱۰ق) در *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، «**اشاک**» ضبط نموده است^۳ (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۲۸۷)؛ قرطبی (۶۷۱-۵۸۰ق) در *الجامع لأحكام القرآن* همچون بغوی کلمه «**اشتاک**» ثبت کرده است^۴ (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۶: ۱۳۹)؛ بغدادی (۷۴۱-۶۷۸ق) در *لباب التأویل فی معانی التنزیل* (تألیف ۷۲۵ق) کلمه مورد نظر را «**فاشتاک**» ضبط نموده است^۵ (بغدادی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۳۵)؛ مجلسی (۱۱۱۰-۱۰۳۷ق) در *بحار الأنوار* کلمه مورد بحث را «**اشاک**» ثبت کرده است^۶ (مجلسی، بی تا، ج ۱۱: ۲۱۹)؛ حقی بروسوی (۱۱۳۷-۱۰۶۳ق) در *تفسیر روح البیان* کلمه مورد نظر را «**اشتاک**» ثبت نموده است^۷ (حقی بروسوی، بی تا، ج ۲: ۳۸۱)؛ سلیمان جمل (ف. ۱۲۰۴ق) در *الفتوحات الإلهیة بتوضیح تفسیر الجلالین للدقایق آن* را «**فاشتاک**» ثبت کرده است^۸ (جمل، ۱۴۲۷ق، ج ۲: ۱۲)؛ احمد بن محمد صاوی (۱۲۴۱-۱۱۷۵ق) در *حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین* این کلمه را «**فاشتاک**» ثبت نموده است^۹ (صاوی، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ۳۷۶) (جدول شماره ۲).

| عنوان کتاب | لغت مورد اختلاف | منبع |
|---|----------------------------|-------------------------------|
| الكشف و البيان عن تفسير القرآن | اشتال الشجر | (ثعلبی نیشابوری، ج ۴: ۵۱) |
| معالم التنزیل فی تفسیر القرآن | اشتاک الشجر | (بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۲: ۴۰) |
| مجمع البیان فی تفسیر القرآن | أشاک الشجر | (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۲۸۷) |
| الجامع لأحكام القرآن | اشتاک الشجر | (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۶: ۱۳۹) |
| لباب التأویل فی معانی التنزیل | فاشتاک الشجر | (بغدادی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۳۵) |
| بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار | أشاک الشجر | (مجلسی، بی تا، ج ۱۱: ۲۱۹) |
| تفسیر روح البیان | اشتاک الشجر | (حقی بروسوی، بی تا، ج ۲: ۳۸۱) |
| الفتوحات الإلهیة بتوضیح تفسیر الجلالین للدقایق الخفیة | فاشتاک الشجر آی ظهر له شوک | (جمل، ۱۴۲۷ق، ج ۲: ۱۲) |
| حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین | فاشتاک الشجر | (صاوی، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ۳۷۶) |

جدول شماره ۲: لغت مورد اختلاف در منابع روایی و تفسیری به ترتیب تاریخی

درباره واژه مورد بحث، سه ضبط موجود است: اشتال، اشتاک و اشاک. احتمالاً اشتال در

باب افتعال از ماده‌ی شول بوده که در لغت به معنای تَعَرَّضُ له و سَبَّه؛ (صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۷: ۳۸۱)، ارتفع (ابن‌درید، ۱۹۸۸م، ج ۱: ۲۸۹) آمده است. این کلمه گاه برابر شال بوده و به معنی ارتفاع یافتن و بلند شدن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ۳۷۶). معنی واژه اشاک در لغت عرب «وَقَعَ فِي الشُّوْكَ» است (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰: ۱۶۷) و (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۴: ۱۵۹۵)؛ اما دو کلمه‌ی اشتاک و اشاک از ماده‌ی شوک بوده یکی به باب افتعال و یکی به باب افعال برده شده که می‌تواند متضمن خاردار شدن درخت نیز باشد.^{۱۵}

۳-۲. تیه در کتاب‌های لغت عربی و فارسی

با توجه به آنچه در سطور پیشین آمد به نظر می‌رسد که واژه‌ی اصلی در متن تفسیر شیخ ابوالفتوح «تیه» بوده و در متن به معنای اشاک یا اشتاک به کار رفته است؛ اما معنای این واژه در لغت چیست؟ تیه در زبان عربی به چند معنی به کار می‌رود: التَّكْبَرُ (ابن‌درید، ۱۹۸۸م، ج ۱: ۴۱۳)؛ الْأَرْضُ الَّتِي لَا يُهْتَدَى فِيهَا؛ الْمَضَلَّةُ الْوَاسِعَةُ بَيْنَ الْأَرْضَيْنِ، الَّتِي لَا أَعْلَامَ فِيهَا وَلَا جِبَالَ وَلَا آكَامَ (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۶: ۲۱۰)؛ حَيْرَهَا وَ طَوَّحَهَا، الْمَفَازَةُ (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۶: ۲۲۲۹)؛ التَّيَهُ أَصْلُهُ الْحَيْرَةُ وَالضَّلَالُ (عسکری، ۱۴۰۰ق: ۲۴۱)؛ الصَّلْفُ وَالْكِبْرُ، مَضَلَّةٌ، تَاءُ بَنُو إِسْرَائِيلَ أَيْ حَارُوا فَلَمْ يَهْتَدُوا لِلْخُرُوجِ مِنْهُ، ضَيَّعَهُ [الشَّيْءُ] (ابن‌سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۴: ۳۷۸)؛ ذَهَبٌ مَتَحِيرًا وَ ضَلَّ. مَضَلَّةٌ (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳: ۴۸۲)؛ الضَّلَالُ وَالذَّهَابُ فِي الْأَرْضِ تَحْيِيرًا كَالْتَّوَهُ، أَهْلَكَ أَوْ حَيَّرَ (مرتضی‌زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۹: ۲۵)؛ ضَاعَ، فَقَدَ، أَضَاعَ طَرِيقَهُ. اخْتَالَ، تَمَائَلٌ، تَبَخَّرَ. كِبْرِيَاءٌ، غُرُورٌ. صَحْرَاءٌ، بَيْدَاءٌ. غَيٌّ، ضِيَاعٌ (اسماعیل‌صینی، ۱۴۱۴ق: ۲۸). در فرهنگ‌های فارسی چون لغت فرس (پس از ۴۵۸ق)، صحاح الفرس (۷۲۸ق)، فرهنگ جهانگیری (۱۰۱۷ - ۱۰۰۵ق)، مجمع الفرس (۱۰۲۸ - ۱۰۰۸ق)، برهان قاطع (۱۰۳۰ق)، فرهنگ جعفری (۱۰۴۰ق) و فرهنگ رشیدی (۱۰۶۴ق) مدخلی به واژه‌ی تیه اختصاص نیافته و اشاره‌ی بدان نشده است. در غیاث اللغات (رامپوری، بی‌تا، ج ۱: ۲۷۳)، فرهنگ آندراج (محمد پادشاه، ۱۳۳۶، ج ۲: ۷-۱۲۶۶)، فرهنگ نفیسی (نفیسی، ۱۳۵۵، ج ۲: ۱۰۲۴)، فرهنگ نظام (داعی‌الاسلام، ۱۳۶۲، ج ۲: ۳۵۱)، لغت‌نامه‌ی دهخدا (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵: ۷۲۴۷)، فرهنگ عمید (عمید، ۱۳۷۹، ج ۱: ۶۵۴) و فرهنگ لغت معین (معین، ۱۳۸۶، ج ۱: ۵۰۸) تیه را جزء واژگان زبان عربی آورده و برابرنهاده‌های آن را به فارسی برگردانده‌اند (جدول شماره ۳).

| | | |
|----------------------------|--|---------------------|
| (رامپوری، بی‌تا، ج ۱: ۲۷۳) | بیابانی که رونده در آن هلاک شود و بمعنی تکبر کردن و رفتن به هرجا سرگردان و باصطلاح بیابانی که موسی علیه السلام با دوازده سبط بنی‌اسرائیل ... در آن به مدت چهل سال سرگردان بودند. | غیاث اللغات (۱۲۴۲ق) |
|----------------------------|--|---------------------|

| | | |
|--------------------------------|---|--|
| (محمدپادشاه، ۱۳۳۶، ج ۲: ۱۲۶۶۷) | بیابانی که رونده در آن هلاک شود و به معنی تکبر کردن و رفتن به هر جا سرگردان و به اصطلاح بیابانی که موسی علیه السلام با دوازده سبط بنی اسرائیل ... مدت چهل سال سرگردان بودند. | فرهنگ آندراج (۱۳۰۶ق) |
| (نفیسی، ۱۳۵۵، ج ۲: ۱۰۲۴) | ص.ع. زمینی که مردم در آن گم شوند. گم گردید و رفت بهر جای سرگردان. گم کرد انسان راه را در بیابان. بلند و مرتفع گردید؛ لاف زد و تکبر نمود. قصد کردن کاری که مصادف با صواب نگردد. بیابان، تکبر و گمراهی | فرهنگ نفیسی (ناظم الاطباء) (۱۳۴۲ - ۱۳۱۷ق) |
| (داعی الاسلام، ۱۳۶۲، ج ۲: ۳۵۱) | ع. بیابان. گمراهی و حیرانی. | فرهنگ نظام (۱۳۵۸ - ۱۳۴۶ق) |
| (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵: ۷۲۴۷) | (ع مص) لاف زدن و تکبر نمودن. تکبر کردن. لاف و بزرگ منشی. لاف و بزرگ منشی و تکبر. گمراه گردیدن و رفتن به هر جای سرگردان. حیران شدن. گمراهی. گم کردن انسان راه را در بیابان. بلند و مرتفع گردیدن قصر. قصد کردن کاری که مصادف با صواب نگردد. زمینی که در آن مردم گم شوند. بیابانی که رونده در آن هلاک شود. بیابان. | لغت نامه دهخدا (۱۳۵۸ - ۱۳۱۹) (حدوداً ۱۳۹۹ - ۱۳۵۹ق) |
| (عمید، ۱۳۷۹، ج ۱: ۶۵۴) | tih (اسم) [عربی، جمع: اتیاه] [قدیمی] بیابان شن زار و بی آب و علف. | فرهنگ عمید (۱۳۴۲)، (۱۳۸۳ - ۱۳۸۲ق) |
| (معین، ۱۳۸۶، ج ۱: ۵۰۸) | tih [ع] ۱- (امص). گمراهی، سرگردانی. ۲- بیابان بی آب و علف که در آن سرگردان شوند. | فرهنگ لغت معین (۱۳۵۰)، (حدوداً ۱۳۹۱ق) |

جدول شماره ۳: معانی ذکر شده برای واژه تیه در لغت نامه ها و فرهنگ های لغت فارسی

همان گونه که پیش تر گفته شد، مراد و منظور شیخ از واژه تیه، خار و تیغ است و هیچ یک از معانی کلمه تیه در زبان عربی مدنظر وی نبوده است؛ از سوی دیگر دقت شیخ ابوالفتوح رازی در ترجمه و انتخاب برابرهادهای فارسی برای کلمات عربی، پیش از این توسط محققان مورد بررسی و تأیید قرار گرفته (خزایی، ۱۳۷۴: ۲۰۶) و به تألیف مجموعه ای سه جلدی با عنوان فرهنگ لغات، وجوه و تشابهات قرآن، بر اساس تفسیر ابوالفتوح رازی منتهی شده است؛ نویسندگان در مقدمه این کتاب تأکید کرده اند که شیخ تعداد زیادی از لغات اصیل فارسی را در تفسیر خود به کار برده است (اشرف زاده و قدمگاهی، ۱۳۸۸، ج ۱: ذ) و همین امر موجب شده است که جلد سوم کتاب آنان به واژگان فارسی این تفسیر اختصاص یابد^{۱۶} (همان: ج ۳)؛ بنابراین نمی توان به راحتی از این واژه گذر کرد و این احتمال مطرح می شود که این واژه از جمله واژگان کهن فارسی بوده باشد. در خصوص

بررسی تحول تاریخی زبان فارسی باید سه دوره را مورد توجه قرار داد: نخست دوره باستان که شامل زبان‌های اوستایی، فارسی باستان و به صورت محدودتر مادی و سکایی را بوده و تا حدود ۳۰۰ سال پ.م. رواج داشته است (آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۵: ۱۲-۱۱) دوره دوم زبان‌های ایرانی میانه است که به دو شاخه شرقی (شامل سغدی، خوارزمی، سکایی، ختنی و...) و غربی (شامل پهلوی اشکانی یا پهلوانیگ و پهلوی ساسانی یا پارسیگ) تقسیم می‌شود. رواج این زبان‌ها از اواخر دوره هخامنشی آغاز می‌شود و در سده‌های نخست اسلامی پایان می‌پذیرد. دوره سوم را فارسی نو یا جدید می‌نامند که از اواخر دوره ساسانی آغاز شده است و تا به امروز ادامه دارد (همان: ۱۲)؛ اما باید توجه داشت که «نیازمندیهای پارسی نو باید به دستیاری پارسی میانه (پهلوی) برکنار شود، اگر نشد، به پارسی باستان روی آوریم... پارسی نو فرزند پارسی میانه است و پارسی میانه فرزند پارسی باستان است» (فروهوشی، ۱۳۹۰: چهار). با رجوع به فرهنگ فارسی - پهلوی، این امر تأیید شد که تیه یک واژه پهلوی و به معنی تیغ است^{۱۷} (فروهوشی، ۱۳۸۰: ۱۵۷). «کلمه تیغ در بندهش به صورت tyy ضبط شده است... و نیبرگ آن را tē یا tēh خوانده و شکل پازند آن را tēh به دست داده است... در گزیده‌های زادسپرم نیز تیغ به tēh بدل شده و به دو معنی تیغه، قله، نوک و نیز پرتو و شعاع به کار رفته است... تفضلی و ژینیو این کلمه را تیخ، صورت دیگری از تیغ خوانده‌اند (صادقی، ۱۳۹۰: ۲۶۷). حرف «غین» از حروف مشترک در زبان‌های فارسی و عربی است و گاهی در زبان فارسی به حروف دیگری از جمله حروف «هاء»، «خ»، «ز» و «ب»... بدل می‌شود؛ برای نمونه می‌توان واژگان گیاغ، میغ، آمیختن و آمیغ را نام برد که به ترتیب به واژگان گیاه، مه، آمیختن و آمیز بدل شده‌اند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲-۱۶۵۰۱). برای مثال فرهوشی چهار صورت آوایی تیغ Tēy، تیخ Tēx، تیه Tēh و تیک Tik را برای واژه تیغ ثبت کرده است (فروهوشی، ۱۳۹۰: ۱۵۷) و نیز در فرهنگ کوچک زبان پهلوی واژه تیغ به صورت تیخ Tēx گزارش شده است (مکنزی، ۱۳۷۳: ۲۲۲) و یا حرف هاء در واژه مه به دو شکل مه Meh و میغ Mēy ثبت شده است (همان: ۳۰۹)؛ بنابراین به نظر می‌رسد که حرف غین در واژه تیغ نیز گاه به خ بدل شده و به صورت تیخ ثبت شده و گاهی به هاء تغییر یافته و به صورت تیه درآمده است (فروهوشی، ۱۳۹۰، ۱۵۷)، اما این صورت اخیر در هیچ‌یک از فرهنگ‌های لغت فارسی نو ثبت و ضبط نشده است. با توجه به این امر آنچه علامه شعرانی درباره این واژه احتمال داده بود نیز صحیح بوده است (ابوالفتوح رازی، ۱۳۹۸ ق، ج ۴: ۴۸۱). همچنین از آنجا که شیخ ابوالفتوح این واژه را در ترکیب «راه تیه‌ناک» نیز به کار برده (همو، ۱۴۰۸ ق، ج ۱: ۱۰۱) به نظر می‌رسد که در سده ششم هجری، حداقل در بلاد ری، تیه واژه‌ای آشنا برای مردم و اهل علم بوده و در سده‌های بعد از دایره واژگان فارسی‌زبانان حذف شده است و معنای فارسی این واژه که با لغت تیه عربی در صورت لفظ اشتراک دارد، از یادها رفته است.

۳. نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه ارائه شد می‌توان به یقین گفت که واژه صحیح در تفسیر شیخ ابوالفتح رازی تیه بوده است. تیه واژه‌ای است به زبان پهلوی به معنی تیغ. واژه خار که در کشف‌الاسرار میدی آمده است معادل و برابر تیه است و هر دو واژه معادل کلمه اشتاک یا اشاک عربی بوده‌اند. همچنین شاهد ارائه‌شده در لغت‌نامه دهخدا برای واژه بُتْه صحیح نیست و چنانچه در پاورقی چاپ‌های بعدی بدان اشاره شود، بر غنای این اثر سترگ فارسی خواهد افزود. این یافته یکبار دیگر اشراف و آگاهی شیخ ابوالفتح رازی به زبان فارسی و دقت وی در گزینش برابرنهادهای فارسی برای کلمات عربی را نشان می‌دهد. همچنین بر اهمیت و اعتبار این اثر گرانمایه در پژوهش‌های زبان و ادب فارسی و مطالعات زبان‌شناسی سده ششم هجری قمری ایران تأکید می‌نماید.

نکته آخر اینکه نگارنده این سطور هیچ شاهی برای روایت ابن عباس در خصوص خار برآوردن درختان پس از قتل هابیل به دست قابیل در متون روایی شیعیان، اهل سنت و حتی عهد عتیق نیافت. ^{۱۸} با توجه به بضاعت علمی اندک نگارنده، از محققان محترم صاحب‌نظر درخواست می‌شود اگر نشانه یا رهنمودی در این باره دارند، نگارنده را از فیض دانش خود محروم نسازند؛ اما چنانچه یافته نگارنده صحیح بوده و شاهد و قرینه روایی منسوب به معصومین علیهم‌السلام برای این روایت موجود نباشد، آنگاه می‌توان این احتمال را در پژوهش دیگری بررسی کرد که در خوانش یا استتساخ کلمه اشاک یا اشتاک در رسم الخط‌های اولیه متون اسلامی پیش از سده پنجم هجری سهو و خطایی رخ داده باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. این نسخه فاقد شماره صفحه بود و با لطف مدیر و کارکنان بخش نسخ خطی مجلس شورای اسلامی چند دقیقه در اختیار نگارنده قرار گرفت، اما به‌علت شکننده بودن اوراق، امکان شمارش صفحات آن میسر نشد.
۲. با سپاس از جناب آقای سید محمدرضا رضاپور، معاون وقت اداره مخطوطات کتابخانه آستان قدس رضوی.
۳. این مجموعه در سال ۱۴۰۴ هجری توسط کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم تجدید چاپ شد.
۴. با سپاس از جناب آقای لایق، مسئول مخزن چاپی کتابخانه آستان قدس رضوی.
۵. این جزوه شامل واژگان بانو تا بختیار است. با سپاس از سرکار خانم اکرم سلطانی سرپرست بخش فنی تألیف موسسه لغت‌نامه دهخدا.
۶. مقاتل بن الضحاک عن ابن عباس قال: لما قتل قابیل هابیل و آدم بمکة **اشتال الشجر** و تَغَيَّرَت الْأَطْعَمَةُ وَ حَمَّضَتِ الْفَوَاكِهِ: وَ أَمَرَ الْمَاءُ وَ اغْبَرَّتِ الْأَرْضُ... .

۷. و قال مقاتل بن سلیمان عن الضحاک عن ابن عباس رضی الله عنهما: لما قتل قبیل هابیل و آدم علیه السلام بمکة **اشتاک الشجر** و تعیّرت الأطمعة و حمضت الفواکه، و أمرّ الماء و اغبرت الأرض... .
۸. و عن ابن عباس قال لما قتل قبیل هابیل **أشاک الشجر** و تعیّرت الأطمعة و حمضت الفواکه و أمر الماء و اغبرت الأرض... .
۹. و- روی عن ابن عباس أنه لما قتله و- آدم بمکة **اشتاک الشجر**، و- تعیّرت الأطمعة، و- حمضت الفواکه، و- ملحت المیاہ، و- اغبرت الأرض... .
۱۰. و یروی عن ابن عباس قال لما قتل قبیل هابیل کان آدم بمکة **فاشتاک الشجر** و تعیّرت الأطمعة و حمضت الفواکه و اغبرت الأرض... .
۱۱. و عن ابن عباس قال لما قتل قبیل هابیل **أشاک الشجر** و تعیّرت الأطمعة و حمضت الفواکه و أمر الماء و اغبرت الأرض... .
۱۲. قال مقاتل کان قبل ذلك یستأنس السباع و الطیور و الوحوش فلما قتل قبیل هابیل نفروا فلحقت الطیور بالهواء و الوحوش بالبریة و السباع بالعیاض و **اشتاک الشجر** و تعیّرت الأطمعة و حمضت الفواکه و امر الماء و اغبرت الأرض.
۱۳. و یروی أن ابن عباس قال: لما قتل قبیل هابیل کان آدم بمکة **فاشتاک الشجر** ای ظهر له شوک و تعیّرت الأطمعة و حمضت الفواکه و اغبرت الأرض... .
۱۴. و یروی أنه لما قتل قبیل هابیل کان آدم بمکة، فاشتاک الشجر ای ظهر له شوک و تعیّرت الأطمعة و حمضت الفواکه و اغبرت الأرض... .
۱۵. با سپاس از جناب آقای دکتر آذرتاش آذرنوش؛ جناب آقای دکتر محمد علی لسانی عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج و جناب آقای حمزه زاده کارشناس محترم نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه هنر، واحد کرج.
۱۶. با سپاس از سرکار خانم لیلا ایرانی، کتابدار کتابخانه دهخدا قروه درجزین و کتابدار کتابخانه حوزه علمیه آخوند همدانی (ره).
۱۷. با سپاس از دکتر آذرتاش آذرنوش.
۱۸. با سپاس از جناب آقای دکتر یونس حمامی لاله زار، حاخام اعظم یهودیان ایران.

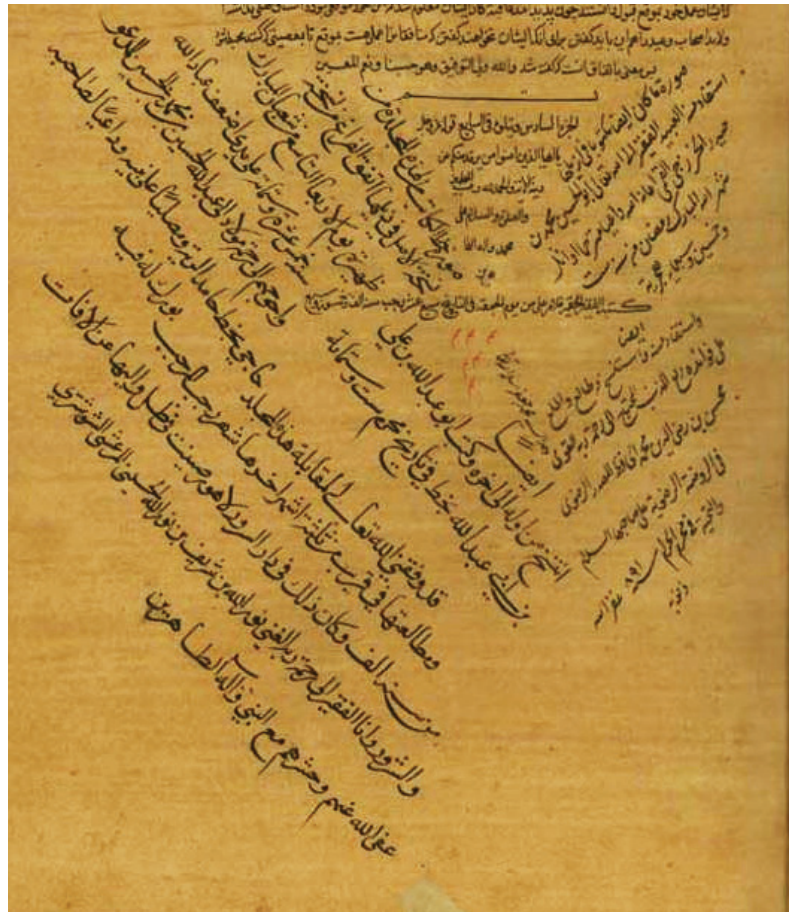
کتابنامه

- آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد. (۱۳۷۵). *زبان پهلوی ادبیات و دستور آن*. چاپ دوم با تجدیدنظر کامل. تهران: معین.
- ابن درید، محمد بن حسن. (۱۹۸۸م). *جمهره اللغة، الجزئین الاول و الثانی*. بیروت: دارالعلم للملایین .
- ابن سیده، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۱ق). *المحکم و المحيط الأعظم*. مصحح: محمود بن

- محمد ارموی عراقی. محقق: عبدالحمید هنداووی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. محقق: احمد فارس الطبعه الثالثه. الجلد الثالث عشر. بیروت: دار صادر.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۹۰۷ق). *روض الجنان و روح الجنان*. کاتب: محمد بن اسحاق جنابدی. محل نگهداری: بخش نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی. شماره بازیابی ۱۲۳۰۰.
- _____ (۹۴۹ق). *روض الجنان و روح الجنان*. کاتب: عبدالغفار بن عبدالواحد محل نگهداری: بخش مخطوطات کتابخانه آستان قدس رضوی. شماره ثبت: م ۱۳۳۱.
- _____ (۱۰۱۹ق). *روض الجنان و روح الجنان*. کاتب: عنایت بن نصرالله يتمخانی. محل نگهداری: بخش نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی. شماره ثبت: ۹۰۰۳۷.
- _____ (۱۰۵۸ق). *روض الجنان و روح الجنان*. کاتب: غلامعلی. محل نگهداری: بخش نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی. شماره ثبت: ۱۶۳۷۸.
- _____ (۱۳۲۳ق). *تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی*. به سعی و اهتمام میرزا ابراهیم خان عکاسباشی. طهران: مطبعه مبارکه شاهنشاهی.
- _____ (۱۳۲۱). *تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی*. تصحیح: مهدی الهی قمشه‌ای. ج ۴. تهران: علمی.
- _____ (۱۳۹۸ق). *روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. تصحیح و حاشیه: ابوالحسن شعرانی. ج ۴. تهران: اسلامیة.
- _____ (۱۴۰۸ق). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. به کوشش و تصحیح: محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح. جلد های ۱، ۵، ۶، ۱۶ و ۱۷. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). *تهذیب اللغة*. علق علیها: عمر سلامی؛ عبدالکریم حامد. تقدیم: فاطمه محمد اصلان. المجلدین الرابع و السادس. بیروت. دار احیاء التراث العربی.
- اسماعیل صینی، محمود؛ مصطفی عبدالعزیز، ناصف؛ احمد سلیمان، مصطفی. (۱۴۱۴ق). *المکنز العربی المعاصر*. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- اشرف زاده، رضا و قدمگاهی، نسرين. (۱۳۸۸هش). *فرهنگ لغات، وجوه و متشابهات قرآن*. بر اساس *تفسیر ابوالفتوح رازی*. ج ۱. مشهد: سخن گستر.

- بغدادی، علاء‌الدین علی بن محمد. (۱۴۱۵ق). *لباب التأویل فی معانی التنزیل*. ضبط و تصحیح: محمد علی شاهین. ج ۲. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ق). *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*. تحقیق: عبدالرزاق المهدی. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*. تحقیق: ابو محمد بن عاشور. ج ۴. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جمل، سلیمان بن عمر. (۱۴۲۷ق). *الفتوحات الإلهیه بتوضیح تفسیر الجلالین*. الجزء الثانی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق). *الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیه)*. تحقیق: عطار. احمد عبد الغفور. الجزئین الرابع و السادس. بیروت: دار العلم للملایین.
- حقی بروسوی، اسماعیل. (بی تا). *تفسیر روح البیان*. الجزء الثانی. بیروت: دارالفکر.
- خزاعی، محمدحسن. (۱۳۷۴). «دقت ابوالفتح رازی در معانی واژه‌ها و مقایسه آنها با تیبان شیخ طوسی و مجمع البیان طبرسی (ره)». مشکوه. ش ۴۸. پاییز. صص ۲۱۶-۲۰۵.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا (دوره جدید)*. ج ۳ و ۱۱. تهران: دانشگاه تهران.
- داعی‌الاسلام، سید محمد علی. (۱۳۶۲). *فرهنگ نظام*. ج ۲. تهران: دانش.
- رامپوری، غیاث‌الدین محمد. (بی تا). *غیاث اللغات*. به کوشش محمد دبیرسیاقی. ج ۱. تهران: کانون معرفت.
- صاحب بن عباد. (۱۴۱۴ق). *اسماعیل المحيط فی اللغة*. محمدحسن آل یاسین. الجزء السابع. بیروت: عالم الکتب.
- صادقی، علی اشرف. (۱۳۹۰). «پژوهش‌های لغوی: آوازه، مدری، آنگ، آزیغ یا آریغ، میغ، مه». *نامه فرهنگستان (فرهنگ‌نویسی)*. بهمن‌ماه. ش ۴. صص: ۶۸-۲۳۸.
- صاوی، احمد بن محمد. (۱۴۲۷ق). *حاشیه الصاوی علی تفسیر الجلالین*. الطبعة الرابعه. الجزء الاول. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تحقیق: محمد جواد بلاغی. ج ۳. تهران: ناصر خسرو.
- عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۰۰ق). *الفروق فی اللغة*. تحقیق: عادل نویهض. بیروت: دار الافاق الجدیدة.
- عمید، حسن. (۱۳۷۹). *فرهنگ عمید*. ج ۱. تهران: امیرکبیر.

- فرهوشی، بهرام. (۱۳۹۰). فرهنگ زبان پهلوی. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۸۰). فرهنگ فارسی به پهلوی. تهران: دانشگاه تهران.
- قرطبی محمد بن احمد. (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن. الجزء السادس. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (بی تا). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. تحقیق: محمدباقر محمودی و عبد الزهراء علوی. الجزء الثالث. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمد پادشاه (شاد). (۱۳۳۵). فرهنگ آندراج. زیر نظر: محمد دبیر سیاقی. ج ۱. تهران: کتابخانه خیام.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ ق). تاج العروس من جواهر القاموس. محقق: علی شیری. الجزء التاسع عشر. بیروت: دارالفکر.
- معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ لغت معین. ج ۱ از دوره دو جلدی. تهران: آدنا: کتاب راه نو.
- معین، محمد و شهیدی، سیدجعفر. (۱۳۷۷). مقدمه لغت نامه دهخدا (دوره جدید). تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- مکنزی، دن. (۱۳۷۳). فرهنگ کوچک زبان پهلوی. مترجم: مهشید میرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میبدی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). کشف الأسرار و عدة الأبرار. به سعی و اهتمام: علی اصغر حکمت. ج ۳. تهران: امیر کبیر.
- نفیسی، علی اکبر ناظم الاطباء. (۱۳۵۵). فرهنگ نفیسی. با مقدمه محمد علی فروغی. ج ۱. تهران: کتابفروشی خیام.



تصویر شماره ۵: روض الجنان و روح الجنان. کاتب غلامعلی. سال ۱۰۵۹ ه.ق. انجامه مجلد نخست در صفحه ۷۹۹. محل نگهداری: بخش نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی.